



گفت‌وگو با سیدحسین موسویان:

## بسته میلاری عربستان به ترامپ برای مقابله با ایران

حامد طبیبی

سال‌های ۸۲ تا ۸۴ و در واپسین سال‌های دولت اصلاحات، یک موضوع خطرساز، امنیت ملی ایران را به چالش کشید؛ ایران متهم به مخفی‌کاری در روند فعالیت‌های هسته‌ای شده بود. حسن روحانی، دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی، در کتاب «امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای» روایتی تفصیلی از آن سال‌ها و نقش یکی از چهره‌های محوری دیپلماسی آن‌روزها را در گفت‌وگو با «سه بزرگ اروپایی» ارائه کرده است؛ مردی که پای ثابت گفت‌وگوهای رسانه‌ای و حتی مناظره با نواصولگرایانی بود که مجلس هفتم را در دست گرفته بودند و به جای همراهی برای دفع خطر، اتفاقاً به یک عامل بازدارنده در دیپلماسی ایران تبدیل شده بودند. سیدحسین موسویان، سخنگوی تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای و معاون وقت شورای عالی امنیت ملی، از دیپلمات‌های باسابقه ایران بود که آن‌روزها در همه‌جا دیده می‌شد و پس از روی کار آمدن دولت احمدی‌نژاد و تغییر در تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای، به مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام رفت و معاون حسن روحانی شد. وی امروز به عنوان پژوهشگر در دانشگاه مشهور پرینستون آمریکا مشغول فعالیت بوده و پای ثابت نشست‌های درون و بیرون ایالات متحده درباره ایران و همچنین فعالیت‌های رسانه‌ای است. مواضع این دیپلمات بلندپایه به‌گونه‌ای است که بسیاری، موسویان را سخنگوی غیررسمی ایران در خارج از کشور می‌دانند. گفت‌وگوی «شرق» با وی را درباره پیروزی دونالد ترامپ و نوع مواجهه او با ایران می‌خوانید.

رئیس‌جمهور منتخب ایالات متحده همچنان درباره ایران، سکوت پیشه کرده و در مواضع رسانه‌ای و حتی اخباری که برخی رسانه‌های بین‌المللی درباره جهت‌گیری وی منتشر می‌کنند، اثری از نام ایران به چشم نمی‌خورد. به نظر شما، با توجه به شعارهای انزواگرایانه‌ای که وی در دوران تبلیغات انتخابات سر داد، رویکرد او در قبال ایران و به‌طور کلی موضوع سیاست خارجی را باید مثبت دید؟

ترامپ در زندگی شخصی، یک تاجر کاملاً شناخته‌شده است اما در قامت رئیس‌جمهور یکی از ابرقدرت‌های جهان، یک عنصر کاملاً ناشناخته و پیش‌بینی‌ناپذیر است. تقریباً همه چهره‌های سیاسی آمریکا از هر دو جناح دموکرات و جمهوری خواه هم کاملاً گیج هستند و نمی‌دانند ترامپ چگونه عمل خواهد کرد. اما درباره ایران، نمی‌توان چندان خوشبین بود و از سکوت وی، تعبیر به رضایت کرد. افرادی که تا اینجای کار به عنوان تیم حوزه‌های سیاست خارجی، امنیتی و نظامی او مطرح هستند، همه از عناصر شناخته‌شده افراطی ضداسلام، ضدایران، ضدبرجام و معتقد به براندازی جمهوری اسلامی هستند.

در روزهای رقابت‌های انتخاباتی، اعراب و اسرائیل و حتی ترکیه، به‌طور پنهانی یا رسمی، به کمپین هیلاری کلینتون کمک کردند. اما بلافاصله پس از پیروزی ترامپ به‌گونه‌ای رفتار می‌کنند گویی وی نامزد مورد حمایت آنان بوده است. اما ایران در این حوزه، جز برخی اظهارات رسمی، حداقل فعالیت مشخصی نداشته است. ما این دوره دوماهه تا ورود او به کاخ سفید را چگونه باید طی کنیم؟ آیا نمی‌توان از برخی لابی‌ها استفاده کرد؟

تقریباً همه کشورهای مهم قبل از انتخابات با کمپین هر دو کاندیدا ارتباط برقرار کردند به‌جز جمهوری اسلامی ایران. بعد از انتخابات هم همه کشورهای تأثیرگذار با تیم ترامپ روابط فعالی برقرار کردند به‌جز جمهوری اسلامی ایران. اما آنچه شما از آن تحت عنوان لابی یاد کردید یا بهتر بگوییم مدیریت روابط در دوره چندماهه بعد از شروع کار رسمی ترامپ، هم بستگی به این دارد آیا کانال‌های ارتباطی‌ای که در دوره او با ما شکل گرفته، در دوره ترامپ هم بین تهران و واشنگتن وجود خواهد داشت یا نه؟ هرچه چالش‌های درونی آمریکا در دوره ترامپ بیشتر شود، فرصت‌ها یا تهدیدهای بیشتری پیش‌روی جمهوری اسلامی قرار خواهد گرفت. جبهه ضدایران بدون تردید از آشفتگی‌های احتمالی داخلی آمریکا علیه ایران استفاده و سعی

خواهند کرد هرچه بیشتر به ایران ضربه بزنند.

### منظور شما دقیقا چه نوع ضربه‌ای و از جانب چه افرادی در درون ایالات متحده است؟ ممکن است شامل برخی تعهدات آمریکا در قبال برجام هم شود؟

نگرانی‌ها باید بسیار جدی باشد. اکثریت فعلی جمهوری خواه در کنگره مخالف سیاست‌های تعاملی اوباما با ایران است و ممکن است در دوره ترامپ جبران مافات کرده و هجمه سنگینی علیه جمهوری اسلامی به راه بیندازد.

### به طور خاص این موضوع می‌تواند درباره توقف فروش بویینگ به تهران نیز اثرگذار شود؟

درباره لایحه منع فروش بویینگ شاید از یک نظر به نفع ما باشد و آن اینکه اوباما قبل از ترک کاخ سفید آن را وتو کند. ترامپ در دوره فعالیت‌های انتخاباتی از فروش بویینگ به ایران حمایت کرد. بنابراین ممکن است بعد از وتوی اوباما، جمهوری خواهان موضوع را مختومه و پیگیری نکنند.

### اینکه گفته می‌شود دموکرات‌ها با سیاست‌های پیچیده و چندلایه، همواره بیش از جمهوری خواهان به ایران لطمه زده‌اند، در نمای کلی درست است؟ یعنی دولت اوباما و دولت احتمالی هیلاری کلینتون، بیش از بوش و ریگان، به ضرر ایران عمل کرده یا می‌توانست عمل کند؟

تاریخ روابط ایران و آمریکا بعد از انقلاب نشان می‌دهد بدترین تحریم‌ها در دوره دموکرات‌ها علیه جمهوری اسلامی اعمال شده است. در دوره اول ریاست‌جمهوری اوباما که هیلاری کلینتون وزیر خارجه و دنیس راس هم در کاخ سفید محور اصلی بود، بدترین تحریم‌ها علیه ایران اعمال شد. دوره دوم ریاست‌جمهوری اوباما در کل تاریخ روابط ایران و آمریکا بعد از انقلاب یک استثنا بود. در حقیقت وقتی جان کری زمام امور وزارت خارجه را به دست گرفت و رابرت مالی هم در کاخ سفید مهره اصلی تصمیم‌گیرنده شد، اوباما توانست سیاست‌های خود را عملی کند که در رأس آن حل مسئله هسته‌ای بود.

### چرا دور دوم ریاست‌جمهوری اوباما را در تاریخ روابط دو کشور یک استثنا تلقی می‌کنید؟

دلایل زیاد است، اما به من به شش مورد آن اشاره می‌کنم:

اول اینکه اوباما اولین رئیس‌جمهوری بود که نامه رسمی بسیار محترمانه و مؤدبانه‌ای به مقام معظم رهبری نوشت و برای حل‌وفصل مشکلات روابط دو کشور براساس احترام متقابل، اعلام آمادگی کرد. مقام معظم رهبری هم پاسخ مناسب دادند. نامه دومی که اوباما نوشت با وقایع تلخ انتخابات ریاست‌جمهوری ۸۸ هم‌زمان شد و روند کار متوقف شد. دوم اینکه بیش از سه دهه، سیاست آمریکا بر مبنای «تکنولوژی هسته‌ای صلح‌آمیز صفر»، «غنی‌سازی صفر» و «آب‌سنگین صفر» در ایران بود. اوباما با برجام هر سه بن‌بست را شکست و آمریکا هم تکنولوژی صلح‌آمیز هسته‌ای، هم غنی‌سازی و هم آب‌سنگین و سبک در ایران را پذیرفت. سوم اینکه اوباما تنها رئیس‌جمهور آمریکا بود که در سخنرانی رسمی، آن هم در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل، فتوای مذهبی مقام معظم رهبری درباره حرمت سلاح هسته‌ای و سلاح‌های کشتار جمعی را با احترام به رسمیت شناخت. چهارم اینکه آمریکایی‌ها درباره ایران فقط یک اقدام بلد بودند و آن هم تحریم و تحریم و تحریم بوده است. برداشتن تحریم یا تحریم‌ها علیه ایران آن هم در سیستم حاکمیتی خاص آمریکا، یک سنت‌شکنی از سوی اوباما بود. پنجم اینکه استراتژی آمریکا همیشه بعد از انقلاب مبتنی بر نفی نقش و جایگاه منطقه‌ای ایران بود. اوباما در مصاحبه با آتلانتیک صریح و علنی گفت ایران و عربستان باید در اداره منطقه مشارکت کنند. این اولین بار بود که یک رئیس‌جمهوری در آمریکا رسماً بر ضرورت پذیرش نقش منطقه‌ای ایران صحنه گذاشت و سرانجام نکته ششم اینکه اوباما در سخنرانی مجمع عمومی خود در سازمان ملل آشکارا سیاست «تغییر رژیم» در ایران را نفی کرد؛ کاری که رؤسای جمهور قبلی هیچ‌گاه آمادگی چنین اعلامی را نداشتند.

### فکر می‌کنید اگر برجام از سوی ترامپ یا دولت او یا کنگره و سنا لطمه ببیند، این مسئله فرصت را برای تندروهای ایران در داخل فراهم می‌کند تا نامزدهایی را که از مشی دیپلماسی دوران احمدی‌نژاد حمایت می‌کنند، به عرصه انتخابات ریاست‌جمهوری سال آینده ایران بیاورند؟ به بیان دیگر، آیا ممکن است در ایران مردم هم به این جمع‌بندی برسند که گفت‌وگو و دیالوگ با ایالات متحده بدون نتیجه است؟

مقام معظم رهبری تعیین‌کننده و تصمیم‌گیرنده درباره رابطه یا گفت‌وگوی جمهوری اسلامی با آمریکا هستند. ایشان ضمن بی‌اعتمادی کامل به آمریکا، سعی کرده‌اند به دولت‌ها در تهران و واشنگتن فرصت دهند. اینکه معظم‌له در دوره آقایان احمدی‌نژاد و روحانی اجازه مذاکره دادند، در واقع در همین چارچوب بود. در آینده هم باید دید اولاً دولت ترامپ چه سیاستی درباره ایران در پیش خواهد گرفت و ثانیاً مقام

معظم رهبری چگونه پاسخ خواهند داد. این موضوع چندان در چارچوب‌های دیگر و سایر سطوح سیاسی ایران قابل تعریف و تعقیب نیست.

شما در نشست‌های مختلفی در درون ایالات متحده و همچنین کشورهای اروپایی و عربی به عنوان یک پژوهشگر مستقل حاضر شده و در حوزه دیپلماسی عمومی به دفاع از سیاست‌های ایران و انتقاد از کشورهای دیگر می‌پردازید. به نظر شما، کدام یک از این کشورها می‌توانند تأثیر بیشتری روی رئیس‌جمهور منتخب آمریکا برای فشار بر ایران بگذارند؟

فرق دولت‌های عربی و دیگر دولت‌ها با جمهوری اسلامی این است که آنها هم به لابی در آمریکا اعتقاد دارند، هم برنامه دارند و هم فعال عمل می‌کنند. جمهوری اسلامی یا اعتقاد ندارد یا اگر اعتقاد هم دارد، برنامه و فعالیتی ندارد. برای مثال، سعودی‌ها در دوره مبارزات انتخاباتی، با هر دو کمپ انتخاباتی روابط فعال برقرار کرده، به‌نحو مقتضی کمک کردند و وعده دادند. بعد از انتخابات هم بی‌سروصدا چند تیم فرستاده و رایزنی‌هایی بسیار گسترده با جمهوری‌خواهان تأثیرگذار در کنگره و نیز با ستاد ترامپ داشته‌اند. شنیده‌ام آنها یک بسته اقتصادی بزرگ و جذاب چندصد میلیارد دلاری روی میز ترامپ گذاشته‌اند و خواسته اصلی آنها هم مقابله با ایران است.

**خود ترامپ چگونه؟ از اخباری که از درون آمریکا به شما می‌رسد یا احتمالاً شنیده‌هایی که دارید، او را برای جمهوری اسلامی یک فرصت می‌دانید یا تهدید؟**

احتمالاً ایران با تهدیدات و فرصت‌های جدیدی روبه‌رو می‌شود. ضمن اینکه ممکن است بار تهدیدات سنگین‌تر باشد. برای نمونه به ۹ مورد اشاره می‌کنم:

نخست اینکه در شرایط فعلی همه قدرت‌های جهانی مانند چین، روسیه و اتحادیه اروپا از عملکرد یک‌جانبه ایالات متحده در دوره ترامپ نگران هستند.

موضوع دوم این است که احتمال دارد در دوره ترامپ شاهد عقب‌نشینی آمریکا از مناطق سنتی نفوذ - مداخله یا بی‌میلی به مداخله بیشتر باشیم که موجب ایجاد خلأ قدرت و تشدید رقابت سایر قدرت‌ها شود. سومین مسئله این امر است که ممکن است با تسلط جمهوری‌خواهان تندرو، برنامه «تغییر رژیم در ایران» مجدداً فعال شود که در صورت رفتار معقول و دیپلماسی هوشمندانه جمهوری اسلامی ایران، احتمالاً ایجاد اجماع جهانی درباره طرح‌های براندازی جمهوری اسلامی دشوارتر خواهد شد.

چهارم، در صورت خروج واشنگتن از برخی از تعهدات بین‌المللی خود، اعتماد رقبای آمریکا به اعتبار وعده‌هایش کاهش خواهد یافت. مباحث بین‌المللی جاری درباره برجام یک نمونه است.

اما نکته پنجم؛ ممکن است به دلیل بی‌تجربگی ترامپ و تندروی‌های احتمالی افراطی تیمش، آمریکا در دام تصمیمات اشتباه و پرهزینه بیفتد.

ششم، احتمال دارد احساسات ضدآمریکایی در افکار عمومی جهان و به‌ویژه در جهان اسلام بالا برود. مورد هفتم به این بازمی‌گردد که ممکن است واشنگتن و مسکو به هم نزدیک شده و روی جمهوری اسلامی معامله کنند.

مورد هشتم این است که ممکن است کنگره بخواهد با اعمال تحریم‌های جدید تحت پوشش تروریسم و حقوق بشر، بدون نقض ظاهری برجام، عملاً آن را تضعیف کند. و موضوع آخر این است که چون ترامپ ذهنیت اقتصادی دارد، فردی ریسک‌پذیر است و شجاعت تصمیم‌گیری‌های غیرمتعارف را هم دارد، ممکن است اهل یک توافق بزرگ با ایران باشد تا معامله قرن را انجام داده باشد. اینها نمونه‌هایی از مواردی است که برخی تهدید و برخی فرصت است.

**و راه مواجهه با این فرصت‌ها و تهدیدها را چه می‌دانید؟**

جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از هم‌اکنون برای مسیر سیاست خارجی تهاجمی احتمالی آمریکا، طرح و برنامه داشته باشد تا شاید ضمن دفع تهدیدها، منافع عمده‌ای را در آمریکای عصر ترامپ جست‌وجو کند. نباید از این منافع به‌راحتی صرف‌نظر کرد و با محور قراردادن منافع ملی و دوری از شعارهایی جناحی که مصرف داخلی دارد، به منافع مردم و وجهه ایران در سطح جهان لطمه زد.

ارسال دیدگاه

نام:

ایمیل:

وب سایت:

دیدگاه شما:

ارسال دیدگاه

مجری: پیام رسان هزاره آریا

کلیه حقوق مادی و معنوی این وب سایت، متعلق به روزنامه «شرق» است.